



مادر دایناسور هر چند تمام تلاشی را می‌کند که همان اول با چند تا نعره حالی سید کند تا بی خیال بچه دایناسورها شود اما سید توی گتیش نمی‌رود و تا آخر پای بچه‌ها می‌ایستد و باروش خودش با مادر دایناسورها کنار می‌آید

بچه دایناسورها
بچه دایناسورها جلوی سید از تخم بیرون می‌آیند و درست سید را مادر خودشان به حساب می‌آورند. وقتی هم مادر واقعی‌شان از راه می‌رسد، هر چه با نعره و داد و فریاد می‌خواهد حالی بچه‌ها کند که مادر واقعی‌شان این موجود بدقیافه نیست، موفق نمی‌شود

کانون گرم خانواده در آستانه ترکیدن

سید به شدت دنبال این افتاده تا خانواده تشکیل دهد. برای تشکیل خانواده هم دوره می‌افتد در جنگل و تقریباً یقه هر جنبنده‌ای را برای زندگی زیر یک سقف می‌گیرد؛ اما خب، از آن جایی که سید چندان جانور با عقل و کمالاتی نیست، همه با یک نگاه عاقل‌اندر سفیه در برابر خواسته‌اش ترجیح می‌دهند سکوت کنند؛ تا اینکه سر و کله سه تا تخم دایناسور جلوی پایش سبزی می‌شود. حالا دیگر خودتان تصور کنید که جناب سید با چه ژانگول بازی‌هایی این سه تخم‌ها را به لانه‌شان می‌رساند. سید که با پیدا کردن این سه تخم حساسی در رویای کانون گرم خانواده فرو رفته، ناگهان تخم‌ها از دستش در می‌روند و شروع به قل خوردن می‌کنند. حالا خودتان سید را با آن قیافه احمقانه و چشم‌های از حدقه بیرون زده‌اش تصور کنید که چه جور دنبال تخم‌ها می‌دود تا بالاخره تلاش‌هایش نتیجه می‌دهد و می‌تواند کانون گرم خانواده‌اش را از خطر ترکیدن نجات دهد. این تخم‌ها با ورود شخصیت‌های جدید به داستان فیلم، ختم به خیر می‌شوند اما ورود شخصیت‌های تازه به همین جا ختم نمی‌شود و پای دایناسورها و بچه‌هایشان یکی یکی به داستان باز می‌شود و زندگی شخصیت‌های ثابت دو قسمت قبل را به کلی از این رو به آن رو می‌کند.

از تو گنده تر هم هست

حالا هر یک از شخصیت‌های قدیمی در حال تجربه یک زندگی متفاوت هستند. بامزگی این تجربه‌ها هم این است که زیادی انسانی است و بینندگان با آنها همذات‌پنداری می‌کنند. دیه‌گو مثل قسمت‌های قبل، همان ببر فهیم و عاقلی است که برای انجام هر کاری حسابی دو دو تا چهار تا می‌کند. مندی و الی، ماموت‌های عظیم‌الجثه‌ای که حالا با ورود

دایناسورها چندان هم گنده به نظر نمی‌رسند، منتظر تولد بچه‌شان هستند اما الی در این قسمت هم بی‌خیال آن نگاه از بالا به پایینش نسبت به بقیه جانورها نشده و تنها چیزی که نمی‌بیند حماقت‌های خودش است. دیه‌گو هم روند تکاملش را به صورت غیر محسوسی طی کرده و حالا بعد از دو قسمت به عقل کل گروه مندی، الی و سید تبدیل شده است. ولی اگر جزو طرفداران پر و پا قرص سید هستید، خیالتان راحت باشد که حتی ذره‌ای از دلک‌بازی‌هایش کم نشده است. سید درست مثل قسمت اول به همان قوت، چرت و پرت گویی‌هایش ادامه دارد و در تمام مدت در حال قدم زدن روی موه دیه‌گو و مندی است. اما ویژگی جناب سید همین جاست که با وجود اینکه همه تقریباً از دستش کفری هستند، ولی همچنان همان شخصیت دوست‌داشتی روی اعصاب است که با احمق‌بازی‌هایش حسابی شما را می‌خنداند.

ما که دوست نداشتیم

هر چند تعدادی از منتقدان «ظهور دایناسورها» را حسابی تحویل گرفتند و این طور گفتند که درست به همان اندازه که جنبه سرگرمی برای مخاطبان سنین پایین دارد، به همان اندازه هم به خاطر داستانی که حول و حوش روابط انسانی می‌گذرد، می‌تواند آموزنده باشد. اما از آن طرف، منتقدان زیادی بودند که از شلوغ‌بازی این دایناسورها خوش‌شان نیامده بود و در سایت معتبری مثل metacritic.com به «ظهور دایناسورها» از ۱۰۰ نمره ۵۰ داده‌اند اما منتقد بر طرفدار معتبری مثل راجرت ابرت، انگار حسابی با نعره‌های دایناسورها حال کرده است. شخصیت‌پردازی و کارگردانی «ظهور دایناسورها» را جزو بهترین‌های تاریخ فیلم‌های انیمیشن می‌دانند.

بازی با تخم‌مرغ

اگر خیلی خوره «ظهور دایناسورها» شده باشید، با یک سرچ دم‌دستی در اینترنت سایتشان را پیدا می‌کنید. Iceage.com هر چیزی را که درباره این قسمت آخری بخواهید مفتی در اختیار‌تان می‌گذارد؛ از معرفی ریز به ریز شخصیت‌ها گرفته تا بازی‌های آن‌لاین. البته بازی‌ها هم به هوش ماورایی احتیاجی ندارند و نکته بیشتر آنها بامزگی‌شان است؛ مثلاً در یکی از بازی‌ها که به اسم خود جناب سید است، باید با اجزای چشم و ابرویی که به‌تان می‌دهد، شکل روی تخم مرغ‌هایی را که سید نقاشی کرده بازسازی کنید. اگر قیافه فرزند دلیند جناب سید را درست انتخاب کرده باشید، سید روی صفحه مانیتور‌تان ظاهر می‌شود و با شلنگ تخته انداختنش از این طرف مانیتور به آن طرفش، از تان تشکر می‌کند. اگر هم با اسکرکرت و آن بلوط کذایی‌اش حال می‌کنید، می‌توانید بازی پیدا کردن بلوط را انتخاب کنید و با پیدا کردن شش بلوط ناقابل برای جناب سنجاب در درس‌ساز، آرامش روحی را تا ابد به او هدیه بدهید.

البته به غیر از این بازی‌های بامزه، کلیپ‌هایی از هر کدام از شخصیت‌های فیلم هم هست؛ کلیپ‌هایی با گلچینی از قسمت‌های مختلف هر شخصیت که البته فقط می‌توانید به صورت آن‌لاین تماشا کنید و خبری از دانلود آن نیست. گالری عکس سبایت هم حسابی پر و پیمان است. می‌توانید انواع و اقسام جانوران مورد علاقه‌تان را پرینت بگیرید و بالای سر‌تان بچسبانید و همان طور که زیر کولر، بعد از ظهر داغ تابستانتان را می‌گذرانید، به قیافه مضحک آنها نگاه کنید و سر ذوق بیایید.

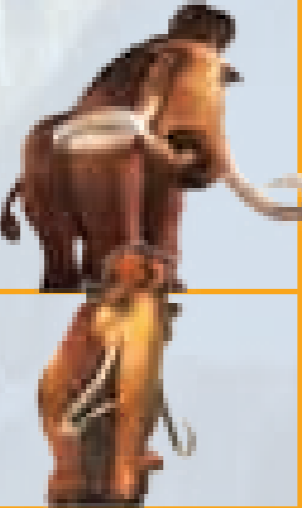
شخصیت‌های دوست‌داشتنی «ظهور دایناسورها»

یاران یخی

اینها چند تا از بامزه‌ترین شخصیت‌های «ظهور دایناسورها» هستند. شخصیت‌های اصلی‌ای که تقریباً در همه این سه سری با آنها و داستان‌هایشان سر و کله زده‌ایم. شخصیت‌هایی که ویژگی‌هایشان آن قدر نزدیک به شخصیت‌های ما آدم‌هاست که نمی‌توانید بی‌خیال زندگی‌شان شویم و حتی منتظر می‌مانیم تا ببینیم در قسمت چهارم چه بلایی سرشان می‌آید.

مندى (MANNY)
آخرین ماموت قرن

آرام‌ترین ماموتی که ممکن است در طول زندگی‌تان ببینید؛ ماموتی در خدمت خانواده. حالا حسابی با خل و چل بازی‌های سید کنار آمده است. او که در قسمت اول چشم دیدن سید را هم نداشت، حالا با بقیه جانورها راه می‌افتد تا سیدی را که معلوم نیست کجا گم و گور شده، را پیدا کند.



الی (ELLIE)

همراهی از ماقبل تاریخ

الی احمق قابل تحمل است که همیشه در توهم بچه دار شدن به سر می‌برد. بیشتر مواقع هم مثل یک خانم با سیاست در حال مدیریت مندی است تا بیشتر از یک حد حرف بی‌ربط و کار بچگانه از او سر نزند.



سید (SID)

به دنبال بچه

در چرت و پرت گویی هیچ کس به پای سید نمی‌رسد. در این قسمت جناب سید جفت پایشان را در یک کفش کرده تا هر طور شده مالکیت سه تخم دایناسوری را که پیدا می‌کند به نام خودش بزند. این ماجرا آن قدر برایش مهم است که حتی حاضر به معامله با مادر نه چندان خوش اخلاق بچه دایناسورها هم می‌شود؛ البته معامله‌ای کاملاً با سبک و سیاق جناب سید؛ «روزهای زوج بچه‌ها مال تو، روزهای فرد هم مال من!». راستی سید چه جور حیوانی است؟

دیه‌گو (DIEGO)

عاقل باش پسر

بین شخصیت‌های عجیب و اغلب بی‌حواس داستان، دیه‌گو عاقل‌ترین عضو است؛ یک ببر متفکر که با عقلش زندگی می‌کند و یک جورهایی به همه ماجراها از بالا نگاه می‌کند. البته حسادتش به زوج ماموت‌ها باعث افسردگی‌اش می‌شود اما درایتش او را به جمع برمی‌گرداند.

بوک (BUCK)

مهربان پر دردسر

یک سید متعادل شده که البته در حماقت و چرت و پرت گویی دست کمی از سید ندارد اما به اندازه او پای حماقت‌هایش نمی‌ایستد و روی خرابکاری‌هایش اصرار نمی‌کند. او تنها کسی است که از دیه‌گو حسابی حساب می‌برد و با مهربانی‌هایش خودش را در دل دیه‌گو و بقیه جا می‌کند.

اسکرکرت (SCRATTE)

عشق بلوط

بالاخره چیزی پیدا شد که از بلوط برای اسکرکرت با ارزش‌تر باشد؛ آن هم چیزی نیست جز اسکرکرت. اسکرکرت که در همه قسمت‌ها، داستان خودش را دارد و با هیچ کدام از شخصیت‌ها هم مسیر نمی‌شود، این بار بعد از سه قسمت از خیر آن بلوط کذایی می‌گذرد و به کس دیگری هم فکر می‌کند.